

Matin Research Journal

Journal of The Research Institute of Imam Khomeini and Islamic Revolution

Volume 26, Issue 103, Summer 2024

A Study of Self-Knowledge and Its Functions in Imam Khomeini's Viewpoint (A Qualitative Study Based on Grounded Theory)

Nahid Zeini Hassanvand¹

Doi: 10.22034/MATIN.2023.408837.21

Research Paper

Abstract

Self-knowledge and its functionality has always been the focus of the scholars of humanities, especially in the field of philosophy. The objective of this paper is to study Imam Khomeini's approach to the subject of self-knowledge and its functions. Grounded theory has been applied in this qualitative study. The statistical population included all sources such as books, lectures, texts and letters of Imam Khomeini. The statistical sample included a total of 62 texts collected through purposeful method from different sources produced by Imam Khomeini related to self-knowledge. From source 48 onwards, the content within the text was repetitive and the data reached theoretical saturation. The data were analyzed through textual analysis within the framework of a conceptual model including the Causal conditions (causes and opportunities); Pivotal factors; Strategies; Underlying factors; Interference factors, facilitators (backers) and inhibitors (barriers), and ultimately consequences (results of self-knowledge). The findings show that a lifestyle consistent with true knowledge of the message of revelation and the program of primordial nature, turn of attention from acquired knowledge to intuitive knowledge and self-purification lead to self-knowledge. As a result of establishing a connection between knowledge of the self and the knowledge of the Lord, the potential talents inherent in human primordial nature are actualized. Hence, the rational soul will be attained and all the powers of the soul, including imagination, anger and lust, will surrender to the sane reason and the prophets' messages and will turn to merciful armies, and eventually, the position of vicegerency of Allah and eternal happiness (felicity) will be achieved.

Keywords: Acquired knowledge, epistemology, Imam Khomeini, intuitive knowledge, philosophical, mystical, approach, self-knowledge, grounded theory.

COPYRIGHTS

©2023 by the authors. Published by Research Institute of Imam Khomeini and the Islamic Revolution. This article is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0) <https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>



1. Assistant Professor, Department of Social Sciences, Faculty of Humanities, Ayatollah Boroujerdi University, Boroujerd, Iran (Corresponding Author), Email: N.Hasanvand@abru.ac.ir

بررسی شناخت نفس و کارکردهای آن از دیدگاه امام خمینی (ره) (مطالعه‌ای کیفی مبتنی بر نظریه داده‌بنیاد)

ناهید زینی حسنوندا^۱

Doi:10.22034/matin.2023.408837.21

مقاله پژوهشی

چکیده: شناخت نفس و چگونگی کارکرد آن همواره مورد توجه متفکران علوم انسانی به‌خصوص رشته‌های حکمی و فلسفی بوده است. تحلیل کیفی شناخت نفس و کارکردهای آن از نظر امام خمینی مبتنی بر نظریه داده بنیاد پژوهش حاضر را شکل داده است. جامعه آماری شامل کلیه منابع اعم از کتاب‌ها، سخنرانی‌ها، متون و نامه‌های امام بوده است. نمونه آماری مورد مطالعه ۶۲ متن و پاراگراف از منابع مرتبط با شناخت نفس از دیدگاه امام است که به شیوه هدفمند انتخاب شدند. داده‌ها از طریق تحلیل متن و در قالب مدل مفهومی شامل: شرایط علی؛ عوامل محوری؛ راهبردها؛ بستر حاکم؛ عوامل مداخله‌گر، تسهیل‌گرها و بازدارنده‌ها (موانع) و درنهایت پیامدها (نتایج شناخت نفس) ارائه شد. یافته‌ها نشان داد سبک زندگی منطبق بر پیام وحی و برنامه فطرت، رجوع از علم حصولی به علم حضوری و ترکیه نفس منجر به شناخت نفس خواهد شد. در اثر اتصال رابطه بین معرفت نفس و معرفت پروردگار، استعدادهای بالقوه در فطرت انسان به فعلیت خواهند رسید؛ و لذا نفس ناطقه احراز و تمام قوای نفس از جمله وهم و غضب و شهوت تسلیم عقل سلیم و انبیا شده و به جنود رحمانی تبدیل خواهند شد و درنهایت مقام خلیفه‌اللهی و سعادت ابدی حاصل خواهد شد.

کلیدواژه‌ها: امام خمینی، شناخت نفس، علم حصولی، علم حضوری، نظریه داده بنیاد.

۱. استادیار، گروه علوم اجتماعی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه حضرت آیت الله العظمی بروجردی (ره)، بروجرد، ایران، (نویسنده مسئول)

Email :N.Hasanvand@abru.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۵/۴ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۸/۳۰

پژوهشنامه متین / سال بیست و ششم / شماره صد و سه / تابستان ۱۴۰۳ / صص ۸۹-۱۱۲

مقدمه

بیان مسئله: مبحث نفس و شناخت خویشتن انسان از همان زمان‌هایی که دین در پهنه زمین گسترش یافت و فلسفه‌ها از سرزمین‌های گوناگون شرق و غرب برآمدند، از دغدغه‌ها و دل‌مشغولی‌های ویژه آدمیان بوده است. سؤال از شناخت نفس، ویژگی‌های نفس، استعدادها و قوای نفس و نیز رابطه نفس با خداشناسی، جهان‌شناسی و معادشناسی از دیدگاه امام خمینی عمده‌ترین سؤال این پژوهش است.

اهمیت: نفس در قرآن و در روایات مختلفی به کاررفته و یکی از معماهای آفرینش بوده است. در نزد حکما و فلاسفه نیز مورد توجه خاص بوده و همچنین تجارب مختلف بشری حاکی از آن است که ورود به خویشتن‌شناسی و معرفت‌النفس انسان را با سرعت و شوق بیشتر به مباحث الهیات پیوند می‌دهد. در حکمت متعالیه معرفت نفس مهم‌ترین عامل جهان‌بینی الهی به شمار آمده و ملاصدرا معتقد است معرفت نفس تنها راه نتیجه بخشی است که انسان را به شهود حق می‌رساند: «معرفه النفس ذاتاً و فعلاً مرقاة لمعرفة الرب ذاتاً و فعلاً...» (طالب‌زاده و میرزایی، ۱۳۹۰، ص. ۹۸).

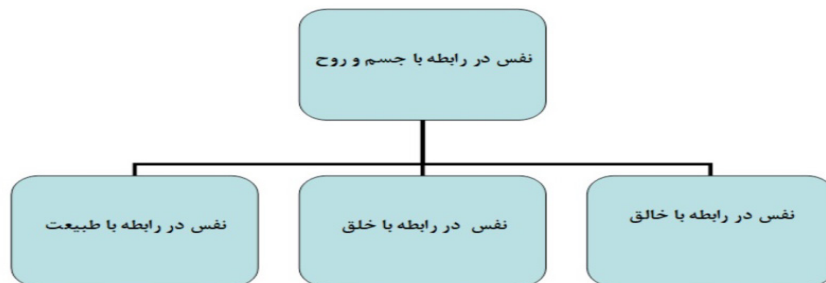
ضرورت: امام خمینی علاوه بر داشتن شخصیت فقهی، اصولی، عرفانی و اجتماعی در حکمت و فلسفه نیز دستی توانا داشت. ضرورت این پژوهش مربوط به شناخت مبانی تفکر فلسفی امام خمینی در یکی از مهم‌ترین مباحث انسان‌شناسی یعنی هستی‌شناسی، کارکرد، اهمیت و چگونگی تحقق نفس ناطقه انسانی (علم النفس) است. با الهام از دیدگاه ایشان که هرگز در این مختصر نمی‌گنجد، در این مقاله تلاش شده است که با رویکردی جدید و روشی متفاوت به بازخوانی ایده‌های متقن ایشان در شناخت نفس که اصلی‌ترین محور کسب هویت و لازمه وحدت و انسجام وجودی در دنیای معاصر است پرداخته شود.

روش: در این پژوهش، از روش داده بنیاد استفاده شده است. جامعه آماری شامل کلیه منابع اعم از کتاب‌ها، سخنرانی‌ها، متون و نامه‌های امام در مورد شناخت نفس بوده است. نمونه آماری مورد مطالعه ۶۲ متن و بند از منابع مرتبط با شناخت نفس از دیدگاه امام خمینی بودند که به شیوه هدفمند انتخاب شدند از متن ۴۸ به بعد مطالب درون‌متنی جنبه تکرار داشته و داده‌ها به حد اشباع رسیده بودند. داده‌ها از طریق تحلیل متن و در قالب مدل مفهومی

شامل: شرایط علی؛ عوامل محوری؛ راهبردها؛ بستر حاکم؛ عوامل مداخله‌گر، تسهیل‌گرها و بازدارنده‌ها و در نهایت پیامدها (نتایج شناخت نفس) ارائه شد. طی سه مرحله کدگذاری باز، محوری و انتخابی، از متون گردآوری شده انجام شد. در مرحله کدگذاری باز داده‌های اولیه به مفاهیم تبدیل شدند. در کدگذاری محوری مفاهیم باهم ترکیب شده و مفاهیمی در سطح انتزاعی بالاتر که مقولات بودند استخراج شدند. بعد از این، مقوله‌ای تحت عنوان مقوله هسته در مرحله کدگذاری گزینشی یا انتخابی به دست آمد.

۱. پیشینه تحقیق

در اسلام توجه ویژه‌ای به شناخت نفس شده است. با بررسی و مطالعه در آیات و روایات معصومین^(ع) می‌توان از جهات مختلف به اهمیت نفس پی برد. در بینش اسلام، خودشناسی مفهومی اساسی و منشأ بسیاری از آموزه‌های اخلاقی و تربیتی است. معرفت نفس در اسلام، از آن نظر که مبدأ حرکت انسان به سمت خدا است، به دو شیوه آفاقی و انفسی مورد تأکید قرار گرفته است؛ در معرفت انفسی نفس انسان از آن جهت که مشتمل بر دو بعد مادی و معنوی است، مورد مطالعه قرار می‌گیرد؛ و در معرفت آفاقی انسان با تفکر در جهان هستی و مقایسه میان آفرینش خود و دیگر مخلوقات، از استعداد و توانایی‌های خاص خود مطلع شده و به معرفت نفس نائل می‌شود (ریاضی هروی و شمشیری، ۱۳۹۲، صص. ۵۴ - ۵۳). در شکل ذیل، طرحی کلی از ارتباط نفس و مقوله‌های مرتبط با آن ارائه شده است.



شکل ۱: نفس و ارتباط‌های آن (منبع: یافته‌های تحقیق حاضر)

ابن سینا به پیروی از ارسطو نفس را «کمال اول برای جسم طبیعی آلی» تعریف می‌کند. وی در شفا قید «له أن يفعل افعال الحیوة» (ابن سینا، ۱۳۷۵، ص. ۱۰) را به این تعریف اضافه کرده و معتقد است که نفس را به کمال تعریف نموده و در این قسمت از تعریف نفس، از تعریف ارسطو در مورد نفس فاصله می‌گیرد؛ زیرا که در تفکر ارسطویی «هر صورتی کمال است و هر کمالی صورت است» (ارسطو، ۱۳۶۹، ص. ۷)، یعنی بین دو واژه کمال و صورت، رابطه تساوی برقرار است. درحالی که ابن سینا مخالف این نظر بوده و معتقد است که هر صورتی کمال است؛ ولی هر کمالی صورت نیست؛ یعنی رابطه بین کمال و صورت، عام و خاص مطلق است، درحالی که لازمه تساوی بین واژه کمال و صورت بدین گونه است که با از بین رفتن ماده (بدن)، صورت (نفس) هم نابود می‌شود و این مطلب با بقای نفس منافات دارد.

ابن سینا در رساله الحدود، حد نفس را این گونه بیان می‌کند که نفس به دو معنای متفاوت از هم به کاررفته است و هر معنایی که از نفس ارائه می‌شود، تعریف ویژه‌ای از آن را بیان می‌کند. نفس در یک معنا بر انسان، حیوان و نبات منطبق است که همان تعریف نفس به کمال جسم طبیعی آلی است که بالقوه حیات نیز دارد؛ و در معنای دوم بر انسان و فلک انطباق می‌یابد که عبارت است از نفس جوهر مجرد و کمال جسم است که از روی اختیار و به یاری عقل، جسم را حرکت می‌دهد (ابن سینا، ۱۳۶۶، ص. ۹۰). پس نفس هم جوهر است و هم کمال بدن. کمال بودن آن نه از این جهت است که جوهر است؛ بلکه به این اعتبار است که مبدأ حرکت است و بر بدن حکومت می‌کند (احدی و بنی جمالی، ۱۳۷۱، ص. ۱۰). قوای نفسانی در دیدگاه فلاسفه اسلامی از زمان کندی (قرن ۳) و فارابی (قرن ۳ و ۴) تا به امروز تقسیمات متعددی دارد که به مرحله معرفت‌شناسی نفس و روان مربوط می‌شود (طالب‌زاده و میرزایی، ۱۳۹۰، ص. ۹۲).

از دیدگاه امام انسان اعجوبه‌ای است که دارای دو نشئه و دو عالم است؛ نشئه ظاهر ملکیه دنیویه که منظور بدن او است و نشئه باطنه غیبیه ملکوتیه که نفس او است و از عالم غیب و ملکوت آمده است، نفس انسان دارای مقامات و درجاتی است که به طریق کلی گاهی آن را به هفت قسمت، گاهی چهار قسمت، گاهی سه قسمت و گاهی نیز به دو قسمت تقسیم کرده‌اند. برای هر یک از مقامات و درجات نفس جنودی است رحمانی

و عقلانی که آن به ملکوت اعلیٰ جذب می‌کند و به سعادت دعوت میکنند و یا جنودی شیطانی و جهلانی است که آن را به ملکوت سفلی جذب می‌کنند و به شقاوت دعوت میکنند (امام خمینی، ۱۳۸۲، ص. ۵).

همچنین از دیدگاه ایشان: «قلب انسانی لطیفه‌ای است که متوسط است بین نشئه ملک و ملکوت و عالم دنیا و آخرت» (امام خمینی، ۱۳۸۲، ص. ۳۹۹)؛ و انسان موجود و هویتی است که جسم دارد و جسم، نشانهٔ طبیعت است و نفس دارد که بین جسم و مجرد عقلانی است و همان قوه ادراکی‌ای است که مدرک جزئیات است و آن نشانهٔ برزخیت است و مرتبه عقلانیت دارد که نشانه عالم مجرد و عالم عقل است و در بین موجودات طبیعی تنها انسان است که کون جامع است و از مرتبه اخیر شهادت و مرتبه متوسطه برزخیت و مرتبه اولی - یعنی مرتبه مجرد عقلانی - حظی دارد. انسان دارای مراتب و شئون وجودی متفاوتی است. در قوس نزول، موجودی که جامع این اکوان باشد وجود ندارد و در قوس صعود که از مهد عالم طبیعت شروع می‌شود، تنها انسان است که کون جامع است و از مرتبه مجرد عقلانیت - حظی دارد و هیچ موجودی این نصیب را ندارد (اردبیلی، ۱۳۸۱، ج ۳، ص. ۵۸۶).

عبارت امام خمینی در این خصوص دقیق و گویا بوده و حق مطلب را به‌خوبی ادا کرده است: «نفس هم چون صورت است تعلق ذاتی به بدن داشته و با این ماده خود متحد است، بدون اینکه دوئیت در کار باشد، بلکه يك حقیقتی است که آن حقیقت و هویت، این قوه را داشته که متبدل به حقیقت دیگر بشود» (اردبیلی، ۱۳۸۱، ج ۳، ص. ۱۶۶).

در مورد دیدگاه‌های امام پیرامون نفس و آثار آن پژوهش‌های بسیار متنوعی به رشته تحریر در آمده است (اردبیلی، ۱۳۸۱؛ مقادریان و صادقی، ۱۳۹۹؛ رجبی، ۱۴۰۰ و... ولی تاکنون پژوهشی به مطالعه کیفی و به روش داده بنیاد به بررسی شناخت نفس از منظر امام نپرداخته است و این پژوهش بر آن است که خلأ ناشی از آن را مرتفع سازد.

۲. مبانی مفهومی و نظری

شفیعی مازندرانی، در فصل چهارم کتاب پرتوی از مبانی تربیتی عرفانی امام خمینی، با شمردن راه‌های شناخت و دریافت حقایق هستی برای انسان، راه‌های گوناگون را از منظر

امام مورد بررسی قرار داده است؛ اهم این راه‌ها عبارتند از: ۱. حواس ظاهر؛ ۲. عقل و ادراکات عقلی؛ ۳. فطرت و بینش‌های فطری؛ ۴. رؤیاهای صادقه؛ ۵. تهذیب نفس؛ مکاشفات و شهود باطن؛ ۶. وحی و مکتب انبیا (۱۳۷۶، صص. ۴۳-۴۱).

معرفه النفس در نظر امام از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، در ادامه به بخشی از سخنان و مطالب مکتوب ایشان در مورد انسان و معرفه النفس اشاره شده است:

۱. بزرگ‌ترین آیات و مظاهر اسماء و صفات حق و مثل و آیت حق تعالی انسان کامل است، که آدم ابوالبشر یکی از مصادیق آن محسوب می‌شود (امام خمینی، ۱۳۸۲، ص. ۶۳۶).

۲. تمام زحمتی که انبیا کشیده‌اند، تمام کتب آسمانی که بر انبیا نازل شده است، تمام رنج‌هایی که اولیای خدا از بدو خلقت تا کنون کشیده و بعدها هم تا آخر خواهند کشید، مقدمه‌ای برای این هدف بوده است که «انسان»، انسان بشود. چراکه اگر انسان به خود واگذار شود خطرناک‌ترین موجودات عالم خواهد بود و اگر تحت تربیت و تعلیم الهی واقع شود، بهترین موجودات و افضل تمام خلائق خواهد شد (امام خمینی ۱۳۸۹، ج ۱۳، صص. ۱۷۱-۱۷۲).

۳. همان‌طور که در روایات آمده است معرفت نفس، راه معرفت پروردگار است و اعرافکم بنفسه اعرافکم برّه. خداوند تبارک و تعالی برای درک و فهم حقایق هستی، در نفس ما، یک جهان کوچک و نمونه جهان و عالم بزرگ را قرار داده است. نفس نردبان رسیدن به حقایق هستی است. بنابراین اگر کسی بخواهد ارتباط بین مراتب هستی و اجمال و تفصیل و احاطه و ... را دریابد، باید در نفس خویش تأمل و تدبّر کند و مراتب فکر و نظر را مطالعه کند که چگونه مطلبی در آغاز به صورت کلی و بسیط در انسان ایجاد می‌شود و در مراتب بعدی به صورت ترکیبی، جزئی و تفصیلی درمی‌آید و از این طریق می‌تواند به چگونگی نزول حقایق از مراتب بالا به پایین پی ببرد (امام خمینی، ۱۳۹۵، ص. ۲۴).

۴. امام با اشاره به اهمیت خلقت انسان به این حدیث قدسی اشاره می‌کند: «یا بن آدم خلقت الاشیاء لاجلك و خلقتك لاجلی»، یعنی ای انسان تمام اشیا را برای تو و تو را برای خود آفریدم (امام خمینی، ۱۳۸۰، ص. ۲۶۳).

۵. امام با قبول محدودیت بشر در قوه شناخت و فهم و ادراک کنه و حقیقت معارف می گوید اطلاع بر لطایف صنعت و اسرار خلقت به حقیقت تاکنون برای بشر [میسر] نشده است (امام خمینی، پ ۱۳۸۲، ص ۱۹۶).
۶. در توضیح چگونگی تغییر و تبدیل نطفه انسان به وضعیتی که دارای نفس می گردد ایشان می گوید: «نفس ولیده عالم طبیعت است و همان نطفه، با حرکت در جوهر و سیر مراتب طبیعت به تدریج به نشئه دیگری متبدل می شود و انسان دارای دو وجهه است که وجهه طبیعی آن، بدن و جسم است و وجهه تجردی و برزخی اش نفس است و به تدریج که ترقی می کند مستقل می شود، پس روحانیه البقا خواهد بود» (اردبیلی، ۱۳۸۱، ج ۳، ص ۴۱۳).
۷. انسان در آغاز، حیوان بالفعل و انسان بالقوه است (امام خمینی، پ ۱۳۸۲، ص ۱۶۸).
۸. در مورد اهمیت شناخت نفس و تعالی مراتب انسان، از نظر امام شناخت نفس نردبان راه یابی به آسمان معارف و حقایق است و کسی که نفس خویش را شناخت، خدای خود را شناخته است (امام خمینی، ۱۳۸۶، ص ۱۸).
۹. امام در توضیح مراتب نفس اشاره می کند که مقام اول نفس و منزل اسفل آن، منزل «ملک» و ظاهر و دنیای آن است، که در این بدن محسوس تاییده و او را زندگانی عرضی بخشیده و قوای جسمی و حسی آن را تشکیل داده و قوای ظاهر جسمانی، لشکر آن است که در اقالیم هفتگانه ملکیه، یعنی گوش و چشم و زبان و شکم و فرج و دست و پا، بسط پیدا کرده است. تمام این قوای منتشره در این ممالک هفتگانه در تحت تصرف نفس است و در این بین «وهم»، سلطان قوای ظاهره و باطنه است (امام خمینی، پ ۱۳۸۲، صص ۵-۶).
۱۰. (نفس) ویژگی هایی دارد که بدن فاقد آن هاست. نفس پس از جدایی از بدن به حیات خویش ادامه می دهد (امام خمینی، پ ۱۳۸۲، ص ۲۰۰). این ویژگی انسان است (امام خمینی ۱۳۷۸، ص ۵۵). نفس در آن واحد صور مختلفی را می پذیرد، درحالی که بدن در آن واحد بیش از يك صورت را نمی تواند دارا باشد (امام خمینی، پ ۱۳۸۲، ص ۱۹۹).
۱۱. هر چه عمر نفس بگذرد، قوی تر می گردد، درحالی که بدن فرسوده گشته و رو

به کهولت می‌رود (امام خمینی، ۱۳۸۲، ص. ۱۹۹). نفس از بدن به‌عنوان يك ابزار استفاده می‌کند و نفس است که بدن را از نابود شدن حفظ می‌کند (ر. ک. به: امام خمینی، ۱۴۰۶، صص. ۶۱، ۸۸).

۱۲. از نظر امام انسان باید در همین عالم، این چند صباح را مغتنم شمارد و ایمان را با هر قیمتی هست، تحصیل کند و دل را با آن آشنا کند (امام خمینی، ۱۳۸۲، ص. ۱۰۴).

۱۳. نفوس انسان‌ها در بدو ظهور و تعلق آن به بدن‌ها و هبوط به عالم ملک در جمیع علوم و معارف و ملکات حسنه و سیئه، حتی در جمیع ادراک‌ها و اعمال، دارای توانایی‌های بالقوه هستند و به تدریج این توانایی‌ها بالفعل می‌شوند... از آنجایی که عنایت و رحمت ازلی حضرت حق تعالی شامل حال ابنای بشر بوده است با کمک دو نوع مرئی که به منزله دو بال پرواز برای انسان هستند، انسان‌ها می‌توانند به واسطه آن‌ها از حسیض جهل و نقص و زشتی و شقاوت به اوج علم و معرفت و کمال و جمال و سعادت پرواز نمایند و خود را از تنگنای ضیق طبیعت به فضای وسیع ملکوت اعلی رسانند؛ و این دو یکی مرئی باطنی که قوه عقل و تمییز است؛ و دیگر مرئی خارجی که انبیاء و راهنمایان طرق سعادت و شقاوت می‌باشند (امام خمینی، ۱۳۹۷، صص. ۲۶۱، ۲۶۴).

۱۴. علم نور است ولی در نفسی که مهذب نشده، علم حجاب ظلمانی است: العلم هو الحجاب الاکبر. لذا شرّ عالم فاسد برای اسلام از همه شرور خطرناک‌تر و بیشتر است. علمی که می‌تواند انسان را به خدا نزدیک کند، در نفس دنیا طلب باعث دوری بیشتر از درگاه ذی‌الجلال می‌گردد. علم توحید هم اگر برای غیر خدا باشد، از حجب ظلمانی محسوب می‌شود. اگر شما درس بخوانید، زحمت بکشید، ممکن است عالم شوید، ولی باید بدانید که میان «عالم» و «مهذب» فاصله زیادی وجود دارد (امام خمینی ۱۳۸۳، ص. ۱۹-۱۸).

۱۵. «سعادت و شقاوت اکتسابی هستند و مرتبه قلب و عقلانیت انسان در ابتدای امر، سعادت و شقاوتی ندارد» (اردبیلی، ۱۳۸۱، ج ۳، ص. ۴۸۰).

۱۶. «برای تحصیل سعادت دو جهت لازم است: یکی رسیدن عقل هیولانی به مرتبه عقل بالفعل و دیگری عمل صالح عقل عملی؛ یعنی باید عقل نظری به درک حقیقت

اشیاء کما هی؛ یعنی کما هی اطلاق و مستظلات برسد و عقل عملی هم با عمل و تصفیه قوای جسمانی کمک کند» (اردبیلی، ۱۳۸۱، ج ۳، ص. ۴۶۶).
در این پژوهش با انجام مطالعه کیفی از نوع گراند تئوری (تئوری داده بنیاد) به تحلیل دیدگاه‌های امام در موضوع معرفة النفس پرداخته شده است.

۳. روش‌شناسی

غالباً در شناخت‌شناسی اجتماعی از «داده‌های طبیعی^۱» استفاده می‌شود از جمله نمونه داده‌های طبیعی می‌توان به پیاده کردن متن گفتگوهای روزمره، متون رسانه‌ها و متون علمی اشاره کرد (اقبال، ۱۳۹۷، ص. ۲۵۱). مزیت این نوع داده‌ها دست‌اول بودن آن‌هاست به گونه‌ای که گرایش‌ها و باورهای قبلی محقق تأثیری بر شکل‌گیری آن‌ها ندارد. وجود این دسته از داده‌ها این امکان را به محقق می‌دهد که تنوعات ذهنی را در چهارچوب بسترهای اجتماعی گوناگون انجام دهد (اقبال، ۱۳۹۷، صص. ۲۵۱-۲۵۲)، نظریه داده بنیاد، شیوه تحلیل در علوم اجتماعی است که پیشاپیش نظریه مطرح نمی‌کند بلکه پس از گردآوری داده‌ها و تحلیل آن‌ها به نظریه می‌رسد (کاستلز، ۱۳۹۷، ص. ۱۲). کدگذاری محوری شامل شرایط علی، پدیده محوری، بستر حاکم، شرایط مداخله‌گر، راهبردها و پیامدها می‌شود و با کدگذاری انتخابی پس از تحلیل هر منبع بخش‌های ناقص مدل شناسایی، انتخاب و در منبع بعدی به تکمیل آن‌ها پرداخته می‌شود تا زمانی که محقق هم به اشباع نظری برسد و هم مدل از نظر مفاهیم کامل شود؛ یعنی به‌طور هم‌زمان از فن اشباع نظری و تحلیل استقرایی استفاده می‌شود.
جامعه مورد مطالعه تحقیق حاضر کلیه منابع اعم از کتاب‌ها، سخنرانی‌ها، متون و نامه‌های تقریر شده امام در مورد شناخت نفس و اهمیت و ضرورت آن است. به‌منظور نمونه‌گیری به دلیل ماهیت کیفی تحقیق، منابعی که معیارهای لازم را داشتند مورد تحقیق قرار گرفت. داده‌های این پژوهش با استفاده از مطالعات تاریخی و اسنادی مشتمل بر مقالات، سخنرانی‌های پیاده شده در قالب متن، کتاب‌ها و همچنین نامه‌ها جمع‌آوری شده‌اند و برای تجزیه و تحلیل از روش نظریه داده بنیاد استفاده شده است.

پژوهش کیفی حالت رفت و برگشتی دارد، بدین معنا که داده‌های مربوط به یک مورد جمع‌آوری شده و تحلیل می‌شوند و پس از آن تحلیل، تصمیم گرفته می‌شود که منبع بعدی منبعی باشد که بتواند اطلاعات دقیق‌تری درباره موضوع در اختیار محقق قرار دهد. همچنین تا زمان اشباع نظری، یعنی زمانی که دیگر داده جدید حاصل نشود، به فرایند نمونه‌گیری ادامه داده می‌شود.

در این پژوهش تعداد ۶۲ متن از منابع مختلف انتخاب شدند؛ اما از منبع ۴۸ به بعد مطالب درون‌متنی جنبه تکراری داشته و داده‌ها به حد اشباع رسیده بودند. در این روش مطالب گردآوری شده، یعنی جملات خام و داده‌های اولیه طی مرحله کدگذاری باز به مفاهیم، در مرحله کدگذاری محوری به مقولات و طبقات و در مرحله کدگذاری انتخابی به مقوله‌ای انتزاعی‌تر تحت عنوان مقوله هسته به تبدیل شد و در مدل پارادایم نظریه داده بنیاد^۱ مطرح گشت.

برای بررسی و ارزیابی اعتبار و روایی داده‌ها، مفاهیم استخراج شده در قالب مدل پارادایم، مقولات و مضامین کدهای یافت شده و نمونه‌های تحقیق، به چند نفر از متخصصان حوزه روان‌شناسی و دین ارائه شد تا مورد مطالعه و بازبینی قرار گرفته و مواردی جهت اصلاح نظریه نهایی بیان شود. اگرچه در تحقیق کیفی بحث پایایی موضوعیت ندارد؛ اما به جهت بررسی پایایی این تحقیق از روش توافق درون موضوعی استفاده شده است. بدین صورت که سه منبع از منابع موجود در اختیار کدگذار دیگری قرار گرفت و درصد تشابهات کدگذاری پژوهشگر و کدگذار دوم، نسبت به کل کدهای ایجاد شده محاسبه گشت که معادل ۷۶٪ و نشان‌دهنده پایایی مطلوب تحقیق بوده است. با توجه به مطالب فوق در ادامه به تحلیل کیفی شناخت نفس در رویکرد امام پرداخته شده است.

۴. تحلیل یافته‌ها و مدل مفهومی در تئوری داده بنیاد

۴-۱. یافته‌های تحلیلی

در تحلیل داده‌ها با استفاده از روش گراندد تئوری یا نظریه داده بنیاد طی سه مرحله

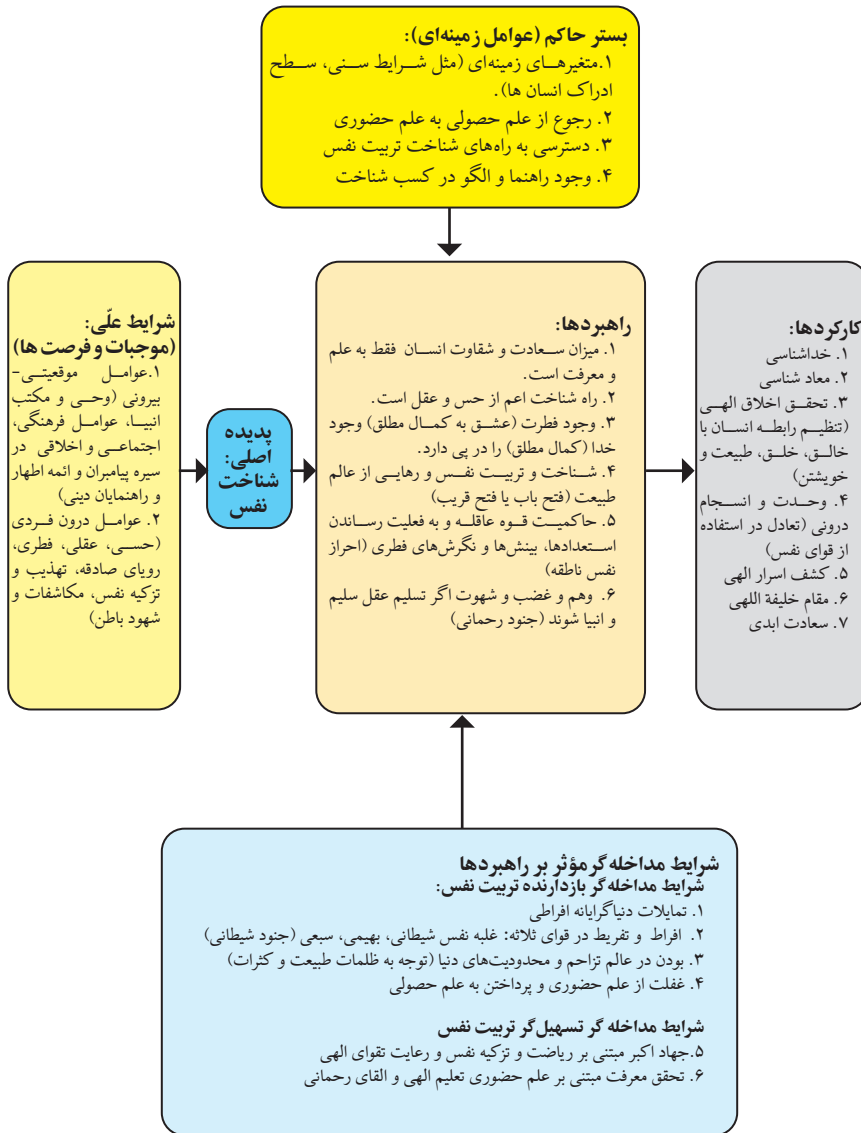
کدگذاری باز، محوری و انتخابی، از متون گردآوری شده در مرحله کدگذاری باز، داده‌های اولیه به صورت مفاهیم تقلیل داده شدند؛ در کدگذاری محوری مفاهیم باهم ترکیب شده و مفاهیمی در سطح انتزاعی بالاتر که مقولات بودند استخراج شدند. بعد از این، مقوله‌ای تحت عنوان مقوله هسته در مرحله کدگذاری گزینشی یا انتخابی به دست آمد. هنگامی که الگوی مشخصی از داده‌ها به دست بیاید، لازم است حمایت موضوعی از آن صورت گیرد (محمدپور، ۱۳۸۸، صص. ۱۶۰-۱۲۷ به نقل از: خوشکلام، ۱۳۹۷، ص. ۱۲۰).

در این پژوهش، در مرحله کدگذاری باز در مجموع ۷۸ مفهوم شناسایی شدند که در ۲۵ مقوله مربوط به سه بُعد اصلی: بُعد شرایطی (شرایط علی، شرایط مداخله‌گر و عوامل زمینه‌ای)، بُعد راهبردها و بُعد پیامدها قرار داده شدند.

الف) بُعد شرایط عمده شامل ۴۰ مفهوم در قالب ۱۳ مقوله که عبارتند از: عوامل موقعیتی - بیرونی؛ عوامل درون فردی؛ متغیرهای زمینه‌ای؛ رجوع از علم حصولی به علم حضوری؛ دسترسی به راه‌های شناخت تربیت نفس؛ وجود راهنما و الگو در کسب شناخت؛ تمایلات دنیاگرایانه افراطی؛ افراط و تفریط در قوای ثلاثه: غلبه نفس شیطانی، بهیمی، سبعی (جنود شیطانی)؛ بودن در عالم تراحم و محدودیت‌های دنیا (توجه به ظلمات طبیعت و کثرات)؛ غفلت از علم حضوری و پرداختن به علم حصولی؛ جهاد اکبر مبتنی بر ریاضت و تزکیه نفس و رعایت تقوای الهی؛ تحقق معرفت مبتنی بر علم حضوری تعلیم الهی و القای رحمانی.

ب) بُعد راهبردها شامل ۲۵ مفهوم در ۵ مقوله که عبارتند از: علم و معرفت؛ راه شناخت اعم از حس و عقل است؛ شناخت و تربیت نفس و رهایی از عالم طبیعت؛ حاکمیت قوه عاقله و به فعلیت رساندن استعدادها و بینش‌ها و نگرش‌های فطری (احراز نفس ناطقه).

ج) بُعد پیامدها شامل ۱۳ مفهوم در ۷ مقوله که عبارتند از: خداشناسی؛ معاد شناسی؛ تحقق اخلاق الهی؛ وحدت و انسجام درونی؛ کشف اسرار الهی؛ مقام خلیفه‌اللهی؛ و سعادت ابدی.



شکل ۲: مدل مفهومی شناخت نفس از دیدگاه امام خمینی (منبع: یافته‌های تحقیق حاضر)

در تحقیق حاضر مقوله‌های عمده در قالب مدل پارادایمی گراندد تئوری شامل شرایط علی، پدیده محوری، شرایط زمینه‌ای، شرایط مداخله‌گر، راهبردها و پیامدها در ارتباط باهم

قرار گرفته‌اند. پس از تحلیل متون مورد مطالعه نتیجه کلی در قالب پارادایم گراند تئوری مطرح شده است. به طوری که شناخت نفس به عنوان پدیده محوری انتخاب و سایر بخش‌ها حول این محور قرار گرفته است.

در این قسمت با روش کیفی به کشف لایه‌های عمیق در منابع مورد مطالعه و شناخت‌شناسی تحلیلی پرداخته شده است.

۱-۱-۴. شرایط علی مربوط به پدیده (شناخت نفس)

شرایط علی مربوط به پدیده شرایطی هستند که زمینه‌ساز بروز پدیده محوری می‌گردند؛ بنابراین طبق مدل پارادایم به دست آمده از داده‌های کیفی، شرایط علی مربوط به پدیده (شناخت نفس) عبارتند از: الف) عوامل موقعیتی - بیرونی (شامل عوامل و الگوهای فرهنگی، اجتماعی و اخلاقی) در این پژوهش با عنوان ارسال رسل و انزال وحی با هدف ایجاد شناخت حقیقی در انسان و روحیه توحیدگرایی از آن یاد می‌شود، همچنین الگوهای عینی تربیت شده در مکتب وحی الهی از جمله پیامبران و دانش‌آموختگان حقیقی انبیا (ائمہ اطهار و راهنمایان دینی). از جمله عوامل موقعیتی - بیرونی در کسب شناخت نفس محسوب می‌شوند. ب) عوامل درون فردی متأثر از موضوع تربیت نفس شامل تجربیات حسی، عقلی، فطری، رؤیای صادقه، تهذیب و تزکیه نفس، مکاشفات و شهود باطن نیز در جایگاه کسب شناخت عمیق از مقوله نفس محسوب می‌شوند.

الف) عوامل موقعیتی - بیرونی

امام علت بعثت انبیا را علاوه بر گسترش خداشناسی و توحید، شناخت مردم از عالم چنانکه هست، ذکر می‌کند. ایشان می‌گوید: «آنچه که انبیا برای او مبعوث شده بودند و تمام کارهای دیگر، مقدمه اوست، بسط توحید و شناخت مردم از عالم است که چطور است؛ ارائه عالم به آن طوری که هست، نه به آن طوری که ما ادراک می‌کنیم» (امام خمینی ۱۳۸۹، ج ۱۹، ص. ۲۸۴). امام سرچشمه تمامی علوم از عرفان و فلسفه گرفته تا ادب و سیاست را قرآن می‌داند (امام خمینی ۱۳۸۹، ج ۲۰، ص. ۹۳). مصداق تأیید این سخن را می‌توان از فراگرفتن علم اسماء «وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا» به وسیله حضرت آدم «قَالَ يَا آدَمُ أَنْبِئْهُمْ بِأَسْمَائِهِمْ»

دانست (بقره: ۳۳-۳۱). این آیات به روشنی حاکی از امکان شناخت و پیشینه آن است. امام نه تنها شناخت را امکان پذیر می داند؛ بلکه معتقد است «آرمان اصلی وحی این بوده است که برای بشر معرفت ایجاد کند» (امام خمینی ۱۳۸۹، ج ۱۹، ص. ۲۲۵).

ب) عوامل درون فردی

«حقیقت علم همانا وجودی است مجرد از ماده و هرگونه اندیشه از ماده منزه است و به احکام ماده محکوم نخواهد شد» (امام خمینی ۱۳۸۹، ج ۲۱، ص. ۲۲۵).

انسان به محض ورود به طبیعت، قدرت ادراک خود را از دست می دهد و تنها پس از رهایی از تخیل عالم طبیعت، یعنی مرگ، نسبت به آن آگاهی پیدا می کند (امام خمینی، ب ۱۳۸۲، ۴۵۷). نکته دیگر این است که راه کسب علم و معرفت حقیقی رعایت تقواست «وَاتَّقُوا اللَّهَ وَيُعَلِّمُكُمُ اللَّهُ» (بقره: ۲۸۲).

به نظر می رسد صرف مطالعه عوامل فردی و یا صرف توجه به عوامل موقعیتی نمی تواند به تنهایی تکمیل کننده شناخت نفس باشد و نیاز به بررسی تعاملی آن هاست که شناخت این مقوله به شدت انتزاعی را حقیقی تر خواهد کرد. درک چرایی پدیده شناخت نفس صرفاً نمی تواند با تکیه بر یک عامل و متغیر صورت گیرد. در چهارچوب طرح این پژوهش، به نظر می رسد عواملی که ذکر می شوند در کنار هم باید به تبیین این پدیده بپردازند. در این پژوهش عوامل مختلف، با تمرکز بر دیدگاه تعاملی بین عوامل موقعیتی - بیرونی و عوامل درون فردی به عنوان مبانی تبیین شناخت شناسی نفس از دیدگاه امام خمینی در نظر گرفته شده اند.

امام مفهوم انسان کامل را در عینیت جامعه نیز، با تعبیری روشن و فراگیر و راه گشا به کار برده اند. به گونه ای که در صحیفه امام حدود نوزده مورد از انسان کامل سخن گفته اند و حداقل دو تعبیر از آن شده است:

الف. انسان کامل به معنای انسان خودشناس خودساخته ای که مراتب و مراحل کمال را طی کرده و از فرامین انسان های الهی یا انسان کامل تمام عیار، تبعیت کرده است.

ب. انسان هایی که مقید به شریعت الهی و خرد ناب دینی و بایدها و نبایدهای دینی و مذهبی اند و برای خود و جامعه و کشور و نظام مفید هستند و این معنایابی ها در حقیقت

عینیت بخشیدن به انسان کامل و نقش و میزان تأثیرگذاری آن‌ها در هدایت بشر به سوی نور و خرد و جامعه سازی آن‌هاست (رودگر، ۱۳۹۷).

۲-۱-۴. بستر حاکم

زمینه‌ای که در آن راهبردهای مربوط به پدیده (شناخت نفس) بسط یافته‌اند: متغیرهای زمینه‌ای (مثل شرایط سنی و سطح ادراک انسان‌ها)؛ رجوع از علم حصولی به علم حضوری؛ دسترسی به راه‌های شناخت تربیت نفس و وجود راهنما و الگو در کسب شناخت.

امام بنا بر قول مشهور علم را دارای دو قسم می‌داند: الف) علم حصولی که عبارت است از اینکه حصول علم، محتاج و نیازمند به واسطه باشد. ب) علم حضوری که عبارت است از اینکه حصول علم برای عالم به واسطه محتاج نباشد.

ایشان معتقدند علم حضوری در سه مورد مصداق پیدا می‌کند: ۱. علم مجرد، به ذات خودش (مانند علم نفس به ذات خودش)؛ ۲. علم علت به معلول خودش؛ ۳. علم هر مجردی به مجرد دیگر. امام پس از ذکر تقسیمات علم حضوری، به صراحت مطرح می‌کند همه علوم حضوری است: «علم عین عالم و عالم عین علم است و محال است که عالم حقیقت علم نباشد و علم حصولی رأساً غلط است؛ «کل عالم مجرد و کل مجرد عالم» (اردبیلی، ۱۳۸۱، ج ۱، ص ۳۸۷).

بدان که نفس ناطقه انسانی حقیقتی است که در عین وحدت و کمال بساطت دارای نشاتی است که عمده آن به طریق کلی سه نشئه است: اول، نشئه ملکیه دنیاویّه ظاهره، که مظهر آن حواس ظاهره و قشر ادنای آن بدن ملکیه است. دوم، نشئه برزخیّه متوسطه، که مظهر آن، حواس باطنه و بدن برزخی و قالب مثالی است. سوم، نشئه غیبیه باطنیه است که مظهر آن، قلب و شئون قلبیه است؛ و نسبت هر یک از این مراتب به دیگری نسبت ظاهریّت و باطنیّت و جلوه و متجلی است و از این جهت است که آثار و خواص و انفعالات هر مرتبه‌ای به مرتبه دیگر سرایت می‌کند (امام خمینی، ۱۳۸۰، صص. ۸۵-۸۶).

۳-۱-۴. شرایط مداخله‌گر (بازدارنده و تسهیل‌کننده) مؤثر بر راهبردهای تربیت نفس

شرایط مداخله‌گر شرایطی هستند که راهبردهای اتخاذشده از سوی فرد را تسهیل و یا بازداری می‌کنند. بر اساس نتایج کدگذاری منابع، این شرایط در مدل پارادایم به صورت شرایط مداخله‌گر بازدارنده از تربیت نفس عبارتند از: تمایلات دنیاگرایانه افراطی، افراط و تفریط در قوای ثلاثه: غلبه نفس شیطانی، بهیمی، سبعی (جنود شیطانی)، بودن در عالم تزاحم و محدودیت‌های دنیا (توجه به ظلمات طبیعت و کثرات)، غفلت از علم حضوری و پرداختن به علم حصولی.

شرایط مداخله‌گر تسهیل‌کننده در تربیت نفس عبارتند از: جهاد اکبر مبتنی بر ریاضت و تزکیه نفس (مشارطه، مراقبه و محاسبه) (امام خمینی، ۱۳۸۲، ص. ۹) و تحقق معرفت مبتنی بر علم حضوری.

باید دانست همان‌که اگر در هر سه قوه (شهوانی، غضب و وهم) افراط صورت پذیرد، تباه‌کننده مقام انسانیت است و توجه به آن ممکن است انسان را گاه از حقیقت انسانیت و گاه از فضیلت انسانیت خارج سازد، همین‌گونه اگر این قوا در معرض تفریط قرار گیرند، باعث فساد مقام انسانیت می‌شوند (ر.ک. به: امام خمینی، ۱۳۸۲، ص. ۱۵۰). در اندیشه امام:

و چون تحصیل سعادت ابدی بی‌بقای در عالم دنیا و اقامه در نشئه طبیعت صورت نگیرد، سعادت ابدی انسان و حیات شریف ملکوتی او مرهون منت این قوه شریفه است؛ و نیز این قوه را مدخلیت تام و دخالت کامل است در تشکیل عائله شریفه و نظام مدینه فاضله و تربیت نفوس ناقصه. پس علاوه بر آن که سعادت خود انسان وابسته به این قوه است، سعادت بنی نوع هم پیوند به این مائده آسمانی است (امام خمینی، الف، ۱۳۸۲، ص. ۲۸۰).

مبنای تفکر امام این است که «وهم و غضب و شهوت ممکن است از جنود رحمانی باشند و موجب سعادت و خوشبختی انسان گردند، اگر آن‌ها را تسلیم عقل سلیم و انبیاء عظیم‌الشان نمایی؛ و ممکن است از جنود شیطانی باشند» (امام خمینی، ۱۳۸۲، ص. ۱۶). از این رو هیچ‌یک از پیامبران جلوی این سه قوه را نگرفته و معتقد بودند که این قوا دارای ارزش فراوان هستند و باید تحت میزان عقلی و قانون عقلی درآیند. در انسان‌شناسی امام،

انسان موجودی است با خواسته‌های بی‌نهایت و اراده‌ای بی‌پایان و توانا برای رسیدن به آرزوهای خود. درباره آیه «فِيهَا مَا تَشْتَهِيهِ الْأَنْفُسُ وَتَلَذُّ الْأَعْيُنُ» می‌گوید: (اشتهای انسان حد محدود و قدر مقدری ندارد)؛ و اشاره می‌کند که خداوند اراده انسان را به گونه‌ای آفریده است که به مجرد اراده هرچه را بخواهد موجود می‌کند (امام خمینی، ۱۳۸۲، ص. ۴۸۵).

۴-۱-۴. راهبردهای مربوط به پدیده (شناخت نفس)

شرایطی که سبب تلاش فرد در شناخت نفس شده است به همراه بستر حاکم و شرایط مداخله‌گر، مجموعه‌ای از عوامل را تشکیل می‌دهند که نوع رفتار فرد را تعیین می‌کنند. راهبردها استراتژی‌هایی هستند که فرد به واسطه ظهور و بروز پدیده اصلی آن‌ها را اتخاذ می‌کند و تحت تأثیر بستر حاکم و شرایط مداخله‌گر قرار می‌گیرند. به عبارت دیگر، راهبردها نشان‌دهنده نوع کنشی هستند که فرد پس از توفیق در کسب شناخت نفس از خود نشان داده است.

طبق کدگذاری و تحلیل منابع و پژوهش‌های انجام گرفته در پژوهش حاضر راهبردهایی که افراد در راستای پدیده شناخت نفس اتخاذ نموده‌اند عبارتند از: حس، عقل و وجود فطرت (عشق به کمال مطلق) که وجود خدا (کمال مطلق) را در پی دارد، شناخت و تربیت نفس و رهایی از عالم طبیعت (فتح باب یا فتح قریب)، حاکمیت قوه عاقله و به فعلیت رساندن استعدادها، بینش‌ها و نگرش‌های فطری (احراز نفس ناطقه) و مناط حصول سعادت علم و معرفت است (امام خمینی، ۱۴۱۰، ص. ۱۳۶).

امام علوم را مقدمتاً به دو قسم علوم دنیایی و علوم اخروی تقسیم می‌کند. ایشان در شرح حدیث بیست و ششم از امام صادق^(ع) در فضیلت عالم می‌گوید، مقصود از علم در این حدیث شریف قسم دوم علم یعنی علم آخرت است. ایشان علوم اخرویه را از سه حال خارج نمی‌داند: یا از قبیل علم بالله و معارف است؛ یا از قبیل علم آداب و سنن عبودیت است، یا از قبیل علم تهذیب نفس و سلوک الی الله. تعمیر نشئه آخرت بسته به این سه امر است و بنابراین جنات نیز بر سه قسم تقسیم می‌شوند: یکی جنت ذات که غایت علم بالله و معارف الهیه است و دیگر جنت صفات که نتیجه تهذیب نفس و ارتیاض است و سوم جنت

اعمال که صورت قیام به عبودیت و نتیجه آن است. مطابق با کلام وحی و برهان حکمی و ذوق اهل معارف و اخبار انبیا و اولیا (علیهم السلام)، علوم به هر درجه که هستند طریق وصول به جنت مناسب با آن است و سالک طریق هر علمی سالک طریقی از طرق بهشت است (امام خمینی، ج ۱۳۸۲، ص ۴۱۲).

از نظر امام، نفس دارای قوای مختلفی است که رشد هر کدام جای دیگری را تنگ می‌کند و توجه افراطی به هر یک از این قوا باعث می‌شود که تمام هویت نفس، به آن معطوف گردد و ماهیت آن دگرگونی پذیرد. قوای نفس عبارتند از:

۱. قوه عاقله: این قوه بر اساس تعریف امام، قوه روحانی‌ای است که به حسب ذات، مجرد است و به حسب فطرت، مایل به خیرات و کمالات؛ و داعی به عدل و احسان: (امام خمینی، الف ۱۳۸۲، ص ۴۱۲).

۲. قوه واهمه: این قوه، «قوه شیطنت» نامیده می‌شود و از ابتدای تولد در کودکان وجود دارد و آنان با این قوه دروغ می‌گویند و مکر و حيله و نیرنگ می‌زنند (امام خمینی، الف ۱۳۸۲، ص ۱۴۹). واهمه تا زمانی که در سلطه عقل نباشد و مسخر نفس مجرد نگردد، فطرتاً متمایل به دنیاست. در برابر قوه عاقله، قوه واهمه است که فطرتاً تا در چهارچوب نظام عقلی نیامده و مسخر در ظل کبریایی نفس مجرد نشده، مایل به دنیاست. ۳. قوه غضبیه و ۴. قوه شهویه.

هر یک از سه قوه (واهمه، غضبیه و شهویه) منافع کثیره دارند از برای حفظ نوع و شخص و تعمیر دنیا و آخرت و همین سه قوه سرچشمه تمام ملکات حسنه و سیئه و منشأ تمام صور غیبیه ملکوتیه است (امام خمینی، ج ۱۳۸۲، ص ۱۴).

۵-۱-۴. کارکردها

راهبردهایی که در نتیجه شناخت نفس اتخاذ شده‌اند، پیامدها و کارکردهایی را به دنبال داشته‌اند که مطابق اطلاعات موجود در شکل دو عبارتند از: خداشناسی، معاد شناسی، تحقق اخلاق الهی (تنظیم رابطه انسان با خالق، خلق، طبیعت و خویشستن)، وحدت و انسجام درونی (تعادل در استفاده از قوای نفس)، کشف اسرار الهی، مقام خلیفه‌اللهی و سعادت ابدی.

امام معتقد است که مقام خلیفة اللہی در آینه‌های آسمایی نمود می‌یابد و نورش به میزان استعداد و پذیرش آینه در آن پرتو می‌افکند و در آن‌ها همچون جریان نفس در قوایش جاری می‌گردد؛ و به تعینات آن‌ها تعیین می‌پذیرد... برای سالک عارف، راه ورود به این گونه معارف و تمامی حقایق، شناخت نفس است. پس در کسب این معرفت که شاه کلید و چراغ روشن‌هدایت است بکوش که: هر کس نفس خود را بشناسد به یقین پروردگارش را شناخته است. (مَنْ عَرَفَ نَفْسَهُ فَقَدْ عَرَفَ رَبَّهُ) (امام خمینی، ۱۳۹۵، صص. ۵۰-۴۹).

نتیجه‌گیری

۱. مطابق با رویکرد امام خمینی سبک زندگی منطبق بر پیام وحی و برنامه فطرت، رجوع از علم حصولی به علم حضوری است و تزکیه نفس منجر به شناخت نفس خواهد شد.
۲. معرفت نفس بر اساس توجه به وحی (قرآن)، استدلال (برهان) و جهاد با نفس (عرفان) و الگوگیری (النَّبیین و الصّٰدِقیین و شهداء و صالحین)، ممکن می‌شود.
۳. در اثر ایجاد رابطه بین معرفت نفس و معرفت پروردگار، استعدادهای بالقوه در فطرت انسان به فعلیت خواهند رسید.
۴. در مرتبه بعد نفس ناطقه احراز و تمام قوای نفس از جمله وهم و غضب و شهوت تسلیم عقل سلیم و انبیا شده و به جنود رحمانی تبدیل خواهند شد.
۵. شاه کلید و چراغ روشن‌هدایت و وصول به معارف و تمامی حقایق و احراز مقام خلیفة اللہی و سعادت ابدی معرفت نفس است.

ملاحظات اخلاقی

حامی مالی: مقاله حامی مالی ندارد.

مشارکت نویسندگان: نویسنده در آماده‌سازی مقاله به‌طور کامل مشارکت داشته است.

تعارض منافع: بنا بر اظهار نویسندگان در این مقاله هیچ‌گونه تعارض منافی وجود ندارد.

تعهد کپی‌رایت: طبق تعهد نویسندگان حق کپی‌رایت رعایت شده است.

منابع

- ابن سینا، حسین بن عبدالله (۱۳۷۵). النفس من کتاب الشفاء. تحقیق حسن زاده آملی، قم: مرکز النشر التابع للمکتب الاعلام الاسلامی.
- ابن سینا، حسین بن عبدالله (۱۳۶۶). رساله الحدود. ترجمه محمدمهدی فولادوند، تهران: انتشارات سروش.
- احدی، حسن و بنی جمالی، شکوه السادات (۱۳۷۱). علم النفس از دیدگاه دانشمندان اسلامی و تطبیق آن با روانشناسی جدید. تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی، چاپ پنجم.
- ارسطو (۱۳۶۹). درباره نفس. ترجمه علیمراد داودی، تهران: انتشارات حکمت، چاپ سوم.
- اردبیلی، سید عبدالغنی (۱۳۸۱). تقریرات فلسفه امام خمینی. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- اقبال، حدیث (۱۳۹۷). تبیین خاستگاه‌های شناختی و ترسیم مدل ذهنی گروه تروریستی داعش. پژوهش‌های راهبردی سیاست، ۷(۲۴)، ۲۴۵-۲۷۵. [Doi:10.22054/qjss.2018.192081546](https://doi.org/10.22054/qjss.2018.192081546)
- امام خمینی، سید روح‌الله (۱۳۸۰). آداب الصلوة (آداب نماز). تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ دهم.
- امام خمینی، سید روح‌الله (الف ۱۳۸۲). شرح حدیث جنود عقل و جهل. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- امام خمینی، سید روح‌الله (ب ۱۳۸۲). شرح چهل حدیث (اربعین حدیث). تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ بیست و چهارم.
- امام خمینی، سید روح‌الله (۱۳۸۹). صحیفه امام. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ چهارم.
- امام خمینی، سید روح‌الله (۱۳۸۶). مصباح الهدایة الی الخلافة و الولاية. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س).

- امام خمینی، سید روح الله (۱۳۹۵). ترجمه مصباح الهدایة الی الخلافة و الولاية. مترجم حسین مستوفی. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی^(س).
- امام خمینی، سید روح الله (۱۳۸۳). جهاد اکبر یا مبارزه با نفس. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی^(س).
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۷). آوای توحید. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ هفتم.
- خوشکلام، نرگس (۱۳۹۷). مطالعه کیفی درک زوجین از تأثیر شبکه اجتماعی تلگرام بر روابط عاطفی (مطالعه موردی: زوجین ۴۰-۱۵ سال شهرستان بروجرد). پایان نامه مقطع کارشناسی ارشد رشته جامعه‌شناسی، بروجرد: دانشگاه حضرت آیت الله بروجردی، دانشکده علوم انسانی.
- رجبی، حدیث (۱۴۰۰). تحلیل وجود شناختی کیفیت تأثیر دعا بر هستی با رویکرد تطبیقی بر نظریات امام خمینی. پژوهشنامه متین، ۲۳(۹۲)، ۶۷-۸۹. doi: 10.22034/MATIN.2022.167862.1351
- ریاضی هروی، شیدا و شمشیری، بابک (۱۳۹۲). بررسی مفهوم خودشناسی از نگاه اسلام و استنتاج اهداف و روش‌های تربیتی آن. ماهنامه معرفت، ۲۲(۸)، ۱۹۱، ۵۸-۴۵. <https://ensani.ir/file/download/article/20150617145215-9723-300>. pdf
- رودگر، محمدجواد (۱۳۹۷). ولایت عرفانی از دیدگاه حضرت امام خمینی رحمه‌الله. پرتال امام خمینی. <http://www.imam-khomeini.ir>
- شفیعی مازندرانی، سید محمد (۱۳۷۶). پرتوی از مبانی تربیتی - عرفانی امام خمینی. قم: دفتر انتشارات اسلامی (وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم).
- طالب‌زاده، سید مجید و میرزایی، علیرضا (۱۳۹۰). چگونگی گذر از خودشناسی به خداشناسی از دیدگاه ملاصدرا و علامه طباطبایی. انسان پژوهی دینی، ۸(۲۵)، ۸۹-۱۱۵. https://raj.smc.ac.ir/article_2295.html
- علی پور، فاطمه (۱۳۹۹). تبیین امام خمینی از تکامل نفس گنهکاران بر مبنای

حکمت متعالیه. پژوهشنامه متین، ۲۲(۸۹)، ۸۵-۱۰۳. doi:10.22034/MA-TIN.2021.131734

- کاستلز، مانوئل (۱۳۹۷). شبکه‌های خشم و امید. ترجمه مجتبی قلی پور، تهران: نشر مرکز، چاپ پنجم.

- محمد پور، احمد (۱۳۸۸). تحلیل داده‌های کیفی: رویه‌ها و مدل‌ها. مجله انسان‌شناسی (نامه انسان‌شناسی)، دوره ۷(۱۰)، ۱۶۰-۱۲۷. <https://www.sid.ir/paper/66346/fa>

- مقدادیان، عادل و صادقی، مسعود (۱۳۹۹). طمأنینه در نگاه عرفانی امام خمینی. پژوهشنامه متین، ۲۲(۸۹)، ۱۳۱-۱۵۴. doi:10.22034/MATIN.2021.131736

- Ahadi, H, & Bani Jamali. Sh, (1992). *Psychology from the perspective of Islamic scientists and its adaptation to modern psychology*, Tehran: Allameh Tabatabai University Press, 5th edition. [In Persian]
- Alipour, F. (2021). Imam Khomeini's Clarification of Spiritual Perfection of Sinners based on Transcendental Wisdom. *Matin Research Journal*, 22(89), 85-103. doi: 10.22034/matin.2021.131734
- Ardabili, S. A. Gh. (1983). *Imam Khomeini's Philosophy Lectures*. Tehran: Institute for Compilation and publication of Imam Khomeini's works. [In Persian]
- Aristotle. (1987). *About the soul*. Translated by Ali Murad Davoudi, Tehran: Hekmat Publications, third edition. [In Persian]
- Castells, M. (2018). *Networks of Anger and Hope*. translated by Mojtaba Gholipour, Tehran: Markaz Publishing, fifth edition. [In Persian]
- Ibn Sina.H. (1987). *The Border Treatise (Risalah al-Hudud)*. translated by Mohammad Mahdi Fouladond, Tehran: Soroush Publications. [In Persian].
- Ibn Sina.H. (1996). *The soul from the book of healing*. edited by Hassanzadeh Amoli, Qom: Publishing Center of the Islamic Information Office. [In Persian]

- Iqbal, H. (2018). Explaining the cognitive origins and drawing the mental model of the ISIS. *Political Strategic Studies*.7(24), 245-275. doi:10.22054/qps.2018.192081546
- Javadi Amoli, A. (2008). *The Voice of Tawhid*. Tehran: Institute for Compilation and publication of Imam Khomeini's works. [In Persian]
- Khomeini, S. R. (2001). *Etiquette of Prayer*. Tehran: Institute for Compilation and publication of Imam Khomeini's works. [In Persian]
- Khomeini, S. R. (2003_ا). Explanation of Wisdom & Ignorance armies Hadith. Tehran: The Institute for compilation and publication of Imam Khomeini's works. [In Persian]
- Khomeini, S. R. (2003_ب). Explanation of forty hadiths. Tehran: The Institute for Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works. [In Persian]
- Khomeini, S. R. (2004). Greater Jihad. Tehran: The Institute for compilation and publication of Imam. [In Persian]
- Khomeini, S. R. (2007). MisbahAlhadayt aly Alkhilafat wAlwalayat. Tehran: The Institute for Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works. [In Arabic]
- Khomeini, S. R. (2010). *Collection of Imam works*. Tehran: Institute for Compilation and publication of Imam Khomeini's works. [In Persian]
- Khomeini, S. R. (2016). MisbahAlhadaytalyAlkhilafatwAlwalayat. Translated by Hossein Mostofi Tehran: The Institute for Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works. [In Arabic]
- Khoshkalam, N. (2018). A qualitative study of couples' perception of the effect of Telegram social network on emotional relationships (Case study: couples aged 15-40 years in Boroujerd). *Master Thesis in Sociology*, Boroujerd: Ayatollah Boroujerd University, Department of Humanity. [In Persian]
- Meghdadiyan, A. & sadeghi, M. (2021). Contemplation in Imam Khomeini's Mystical View. *Matin Research Journal*, 22(89), 131-154. doi: 10.22034/matin.2021.131736

-
- Mohammadpour, A. (2009). Qualitative data analysis: Models and procedures. *Iranian Journal of Anthropology*, 7(10), 127-160. <https://sid.ir/paper/66346/en>
 - Rajabi, H. (2021). An Analysis of Ontology of Quality of Prayers' Effect on Existence with a Comparative Approach to Imam Khomeini's Viewpoints. *Matin Research Journal*, 23(92), 67-89. doi: 10.22034/matin.2022.167862.1351
 - Riazi Heravi, Sh. & Shamshiri, B. (2012). Examining the concept of self-knowledge from the perspective of Islam and deducing its goals and educational methods. *Marafet magazine*, 22(8), 191, 45-58. <https://ensani.ir/file/download/article/20150617145215-9723-300.pdf>
 - Rodgar, M. J. (2018). The mystical guardianship from the perspective of Imam Khomeini. *Portal Imam Khomeini*. [https:// WWW.IMAM-KHOMEINI.IR/FA/N128713](https://WWW.IMAM-KHOMEINI.IR/FA/N128713).
 - Shafi'i Mazandarani, S. M. (1997). *A ray of the educational-mystical foundations of Imam Khomeini Quds Sareh Al-Sharif*. Qom: Islamic Publications Office (affiliated with the Society of Teachers of the Seminary of Qom). [In Persian]
 - Talebzadeh, S. M. & Mirzaei, A.R. (2011). How to pass from self-knowledge to theology from the perspective of Mulla Sadra and Allameh Tabatabai, *Religious Anthropology*, 8(25), 89-115. https://raj.smc.ac.ir/article_2295.html